تک سیستمی نبودن تعلیمات وحیانی

در کلماتی که انبیاء و اوصیاء فرمودهاند همه اش در دستگاه معرفتی خودشان لغت خاص دارد. هر چه بیشتر انس بگیریم، لغتی که آنها به کار میبرند برای ما بیشتر روشن میشود. الآن همین لغت ها را ببینید؛ مثلاً در تعلیقات مرحوم حاجی سبزواری را ببینید، ای خود بیانات ذوقی آخوند صاحب اسفار و سائرین را ببینید. یادم میآید حاج آقا میفرمودند مرحوم حاجی در ذوقیات از آخوند جلوتر هستند. هنگامه میکنند. رضوان الله تعالی علیه! خُب شما همین بیانات را دست مالاهادی بدهید، ای دست آخوند و سائر کسانی بدهید که به این صورت ذوق دارند، آنها هم روی لغت خودشان شروع به حرف زدن میکنند و هر کدام از اینها را معنا میکنند. روی آن نظام معرفتیای که در فضای ذهنی خودشان دارند. حالا این چیزی که آنها میگویند عین همانی است که لغت اهل البیت علیهمالسلام است؟! خُب کسی باید مطابقت کند و مطمئن شود.

علاوه اینکه بیاناتی که در تعلیمات وحیانی هست، یک سیستمی نیست. یعنی طبق نظامهای اصل موضوعی، یک بیانی که در وحی میآید میتواند به تعداد آلاف و الوف، بطونی را که در عرض هم ای در طول هم هستند، معنا کنید. اولیاء او این معانی را میدانند. مرحوم مجلسی اول در کتاب لوامع صاحبقرانی[1] دارند؛ ایشان میگویند برای من حالی پیش آمد! چه بگویم برای شما؟! به هر آیه قرآن که نگاه میکردم بینهایت معنا به ذهنم میآمد. مرحوم مجلسی اول اهل دروغ نیستند که بخواهند برای خودشان مقامی درست کنند. واقعاً یک حالی برایشان پیش آمده و در آن حال به بدن نورانی حضرت رسول نگاه کردهاند، بعد با یک نگاه به این صورت چه فتح بابی از علوم برای ایشان شد! خُب اولیاء خدا به این صورت هستند، وقتی یک جمله میگویند این قدر معنا میتواند در دلش باشد.

---

[1] لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج۱، ص: ۱۲۲

بازبینی #1
ایجاد شده 9 آوریل 2026 13:46:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 آوریل 2026 13:47:17 توسط ... .